

بررسی قطب‌بندی نظام گفتمانی در ترکیب‌بند محتشم کاشانی بر اساس نظریهٔ مربع ایدئولوژیک ون دایک

فرشته ناصری استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهری، دانشگاه آزاد اسلامی،
تهران، ایران

صص: ۱۷۹-۱۵۵

چکیده

تحلیل گفتمان به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های علم زبان‌شناسی به تبیین جهان‌بینی، عقاید، باورها و انگاره‌های ذهنی شاعر بر مبنای روابط و مناسبات کلامی متن می‌پردازد. در این میان ترکیب‌بند محتشم کاشانی به دلیل برخورداری از سازوکارهای متعدد کلامی، بستر مناسبی را جهت نقد و تحلیل عناصر درونی متن بر مبنای عقاید نظریه‌پردازان فراهم می‌آورد. از این رو در پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به تبیین نظریه‌ی مربع ایدئولوژیک ون دایک و تحلیل گفتمان انتقادی وی، در ترکیب‌بند شاخص محتشم پرداخته شده است. هدف اصلی پژوهش حاضر دستیابی به روابط و مناسباتی است که شاعر جهت بیان مقاصد خویش بر مبنای ساختارهای کلامی از آن بهره‌جسته است. سؤال مورد بحث در پژوهش حاضر آن است که محتشم کاشانی جهت ترسیم محتوای اثر خویش از چه تمهیداتی بهره‌جسته و کلام وی تا چه بر مبنای ساختار تحلیل گفتمان انتقادی، قابلیت نقد و تحلیل می‌یابد. نتایج پژوهش با بررسی بُرش افقی گفتمان ترکیب‌بند، حاکی از آن است که، حاشیه‌رانی هویت دیگری، قطب برجستهٔ ترکیب‌بند است (۶۱٪) که با بُرش‌های عمودی‌ای که شامل سطوح معنی، ساختار گزاره‌ای، دستور زبان و استدلال است، تقویت می‌گردد.

واژگان کلیدی: تحلیل گفتمان انتقادی، ون‌دایک، برجسته‌سازی، حاشیه‌رانی، محتشم کاشانی، ترکیب‌بند.

۱. مقدمه

مصادیق بارز تحلیل گفتمان، در ارتباط با شعر شیعه و شعر عاشورایی که غالباً بر پایه‌ی برجسته‌سازی قطب مثبت «خود» و حاشیه‌رانی قطب منفی «دیگری» بنا شده است، نمود و بروز بیشتری یافته است. ترکیب‌بند محتشم کاشانی از جمله شاهکارهای ادبیات فارسی است که نظام دوقطبی برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی، نقش اساسی در شکل‌بندی گفتمان آن دارد. از آنجا که این اثر در واکنش به ظلمی که در واقعه عاشورا به امام حسین (ع) و اطرافیانش روا شد، شکل گرفت؛ لذا متن آن تبدیل به شبکه‌ی زبانی‌ای گردیده که به دلیل بُعد تأویلی نشانه‌ها و آگاهی محتشم نسبت به قدرت زبان و سطوح گفتمانی، هویت «خود» برجسته‌سازی می‌شود و هویت «دیگری» به حاشیه‌رانده می‌شود. ون دایک بر اساس رویکردی چند رشته‌ای و بر اساس مثلی که از ترکیب گفتمان، شناخت و اجتماع شکل می‌دهد، سعی دارد نظریه‌ای جامع درباره ایدئولوژیک ارائه دهد. جنبه گفتمانی ایدئولوژی‌ها توضیح می‌دهد که چگونه ایدئولوژی‌ها بر گفتار و نوشتار روزانه‌ی ما تأثیر می‌گذارند و چگونه ما گفتمان ایدئولوژیک را می‌فهمیم و چگونه گفتمان در بازتولید ایدئولوژی نقش دارد.. در ادامه به طرح چند پرسش می‌پردازیم:

۱. کدام یک از عوامل تحلیل گفتمان موجب ساخت هویت‌ها و فعلیت‌های مندرج در ترکیب‌بند محتشم کاشانی گردیده است؟
۲. محتشم کاشانی چگونه از عنصر زبان جهت معنادادن به هویت خود در مقابل هویت دیگری، بهره جسته است؟
۳. صورت‌های متنی ترکیب‌بند با چه ابزارهایی در خدمت تأکیدات معنایی آن قرار گرفته است؟
۴. به لحاظ ایدئولوژیک، چه نوع روابط معنایی میان واحدهای زبانی ترکیب‌بند وجود دارد؟

۲. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های گسترده‌ای درباره محتشم کاشانی و ترکیب‌بند وی صورت پذیرفته . اما تحقیق مستقلی در خصوص بررسی قطب‌بندی نظام گفتمانی در ترکیب‌بند محتشم کاشانی بر اساس نظریه ون دایک، انجام نگرفته است. در ادامه به ذکر نمونه‌هایی از آثار شکل گرفته در خصوص ترکیب‌بند شاخص وی می‌پردازیم:

۱. لطف (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مقایسه‌ای مرثیه‌ای امام حسین(ع) در دیوان محتشم کاشانی و شریف رضی»؛ به بررسی و تبیین وجوه تشابه و تفاوت میان مرثیه‌های محتشم و شریف رضی و بررسی مضامین و قالب‌های مرثیه‌های این دو شاعر پرداخته است.
۲. محمدرضایی و کیا (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «جستاری بر مرثیه‌های شریف رضی و محتشم کاشانی»؛ به بررسی سوگ سروده‌ی محتشم کاشانی و شریف رضی بر مبنای شش رویکرد روایی، تاریخی، روایی-سیاسی، عاطفی، تخیلی، اخلاقی و فلسفی پرداخته‌اند.
۳. محمدی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه‌ی کلیم کاشانی و محتشم کاشانی از منظر بلاغت شعری»؛ به تطبیق ساختار بلاغی سروده‌های دو شاعر نامبرده به لحاظ تنوع آرایه‌های به‌کاررفته در آثار هریک پرداخته‌اند.
۴. موحدی محب (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «بازخوانی زمینه‌ها و پیشینه‌ی پیدایش ترکیب‌بند محتشم کاشانی»؛ به تبیین مبانی مقدماتی و زمینه‌ساز ترکیب‌بند محتشم کاشانی پرداخته است.
۵. برادران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی موسیقی شعر در مرثیه‌ی عاشورایی محتشم کاشانی» به بررسی انسجام متن بر پایه‌ی عناصر درونی متن بر مبنای مصادیق زیبایی‌شناسی شعر و جلوه‌های آن در کلام شعری پرداخته است.

۳- مبانی نظری

جهت تبیین مبانی تحلیل نظام گفتمانی در ترکیب‌بند محتشم کاشانی در ابتدا به ذکر مباحثی پیرامون مبانی ساختاری پژوهش حاضر می‌پردازیم:

۳-۱- وندایک و تحلیل گفتمان انتقادی

. تئون ون دایک از چهره‌های شاخص و پیشرو حوزه‌ی تحلیل گفتمان انتقادی است که برای تحلیل ساختار تکوین و بازتولید گفتمان به مسئله ایدئولوژی به عنوان یک زیرساخت و مبنا توجه ویژه دارد، به طوری که می‌توان کلید واژه‌ی رهیافت ون دایک را مقوله ایدئولوژی دانست. او به‌طور عام ایدئولوژی را این گونه تعریف می‌کند: «ایدئولوژی باورهای بنیادین گروه و اعضای آن هستند» (ون دایک، ۲۰۰۰: ۷). تحلیل گفتمان انتقادی، رویکرد جدیدی از

تحلیل گفتمان است که قائل به کنش اجتماعی زبان است و شیوه‌ی به کارگیری زبان توسط گوینده یا نویسنده را متأثر از ایدئولوژی و قدرت می‌بیند.

برای تبدیل ایدئولوژی به گفتمان، نیاز به راهبردهای کلامی است تا از طریق آن‌ها این امر محقق شود. قطب بندی یا قرار دادن قطب خودی در برابر قطب رقیب یا به عبارت دیگر «ما» در برابر «آن‌ها» اولین و مهم‌ترین راهبرد کلامی است. راهبرد ایدئولوژیکی قطب بندی کنشگران اجتماعی، استراتژی عمومی این است که بر خوبی‌های «ما» و بدی‌های «آن‌ها» تأکید شود و بدی‌های «ما» و خوبی‌های «آن‌ها» نادیده گرفته شود. (همان، ۲۰۰۶: ۲۴) ون دایک به مفهوم ایدئولوژی توجه خاصی نشان می‌دهد و معتقد است ایدئولوژی‌ها بیشتر بر اساس مربع ایدئولوژیک بیان می‌شوند در نتیجه تحقیقات نشان می‌دهد که «گفتمان‌های ایدئولوژیک اغلب استراتژی عمومی را شکل می‌دهند که مربع ایدئولوژیک خوانده می‌شود و می‌تواند برای تحلیل تمام سطوح ساختارهای گفتمان به کار رود...» (ون دایک، ۲۰۰۰: ۶۴).

چهار اصل مربع ایدئولوژیک ون دایک عبارتند از:

۱. تأکید یا برجسته‌سازی ویژگی‌ها و کارهای خوب ما
۲. تأکید یا برجسته‌سازی ویژگی‌ها و کارهای بد آن‌ها
۳. کمرنگ کردن ویژگی‌ها و کارهای بد ما
۴. کمرنگ کردن ویژگی‌ها و کارهای خوب آن‌ها

مربع ایدئولوژیک علاوه بر تحلیل تمام سطوح ساختار گفتمان، با توجه به ظرفیت ممکن است در آنالیز معنایی و واژگانی پدیدار شود (همان، ۶۴).
به باور ون دایک، مکانیسم‌های گوناگون متنی - زبانی قابلیت برجسته سازی و حاشیه رانی معنا را دارند. او این نمودهای متنی - زبانی منعکس کننده ایدئولوژی را به قرار زیر شرح می‌دهد:

سبک واژگان و نحوه واژه‌گزینی که می‌تواند حامل بار ارزشی مثبت یا منفی باشد. صورت‌های بلاغی همچون اغراق در کنش‌های منفی «دیگری» و کنش‌های مثبت «خودی»، حسن تعبیر، تکذیب و قصور در بیان کنش‌های منفی «ما» و کنش‌های مثبت «دیگری» استدلال که باید ارزیابی منفی یا مثبت از واقعیت را به دنبال داشته باشد. تدوین

ساختارهای بیانی که کنش‌های رفتاری «خودی» را مثبت و کنش‌های «دیگری» را منفی جلوه می‌دهد یا اهمیتی خلاف امر واقع را به مخاطب منتقل می‌کند. (ون دایک، ۲۰۰۰: ۷۸).

کاربرد زبان، متن، گفتار و تعاملات و ارتباطات کلامی با عنوان عام گفتمان بررسی می‌شود، تعریف شناختی از ایدئولوژی در قالب شناخت اجتماعی‌ای ارائه می‌شود که میان اعضای یک گروه مشترک است (ون دایک^۱، ۲۰۰۱: ۶-۱).

فهم دقیق مفاهیم سه‌گانه گفتمان، شناخت و اجتماع برای آشنایی با این رویکرد اهمیتی بسزا دارد. منظور از گفتمان در اینجا معنای عام یک رویداد ارتباطی از جمله تعامل محاوره‌ای، متن نوشتاری، حرکات بدن و سرودست، طرح صفحه بندی، تصاویر و جنبه‌های نشانه شناختی و چند رسانه‌ای دیگر دلالت معنایی است. (همان: ۹۸)

ون دایک، تحلیل گفتمان انتقادی را از حوزه زبان‌شناسی به عالم سیاست و اجتماع کشاند و از آن به‌مثابه ابزاری نیرومند برای تحلیل‌های اجتماعی استفاده نمود (ون دایک، ۱۹۹۳: ۱۱). او با ارائه مربع ایدئولوژیک ۲ در تحلیل نظام زبانی متن و هم‌چنین مفصل‌بندی سطوح مختلف گفتمان (ون دایک، ۲۰۰۰: ۴۴). الگویش را چنین معرفی می‌کند: «با برجسته‌سازی نکات مثبت خود و نکات منفی دیگری و حاشیه‌رانی نکات منفی خود و نکات مثبت دیگری، می‌توان در سیستم فکری افراد رخنه کرد» (ون دایک، ۲۰۰۶: ۱۲۱) و اذهان و رفتار کارگزاران فردی و اجتماعی را تحلیل نمود. همان‌گونه که در نقد امروزه تضاد را سبب کمال و آگاهی می‌دانند. گفتمان، واحد معناداری از زبان است که دارای اجزایی به‌هم‌پیوسته است و هدف خاصی را دنبال می‌کند (پارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱). گفتمان می‌تواند به فراتر از زبان نیز اطلاق گردد؛ بدین‌شکل که «متضمن هماهنگ کردن زبان با شیوه عمل، تعامل، ارزش‌گذاری، باورداشتن، احساس، بدن‌ها، لباس‌ها، نمادهای غیرزبانی، اشیاء، ابزارها، تکنولوژی‌ها، زمان و مکان باشد» (جی^۲، ۱۹۹۹: ۲۵). از منظر جامعه‌شناسی، گفتمان عبارت است از «کاربرد زبان در رابطه با صورت‌بندی‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی-زبانی که بازتاب‌دهنده نظم اجتماعی است» (جاورسکی^۳ و کوپلند^۴، ۱۹۹۱: ۳). بنابراین برای دستیابی به کارکردهای زبان در

1- Van Dijk

2- Gee.

3- Jaworski

4- Coupland

بافت‌های مختلف، در وهله نخست باید گفتمان آن زبان مورد بررسی قرار گیرد (الراجحی، ۱۹۷۷: ۱۰؛ جابر، ۱۹۸۳: ۶۱).

تحلیل گفتمان امروزه به عنوان یکی از روش‌های پژوهش زبان مورد استفاده قرار می‌گیرد، (کانل^۱ و گالسنسکی^۲، ۱۹۹۶: ۱۶۵). زبان‌شناس با کمک ابزارهای تحلیل گفتمان و از طریق توصیف کلام معنی‌دار فراتر از جمله، به شناخت مقصود اصلی متن مورد مطالعه نائل می‌شود (کوبلی^۳، ۱۳۸۷: ۶۰۰/۳؛ آفاگل زاده ۱۳۸۵: ۴۶). تحلیل گفتمان انتقادی، یکی از شاخه‌های تحلیل گفتمان است که بیشترین وجه جامعه‌شناختی را دارد (آفاگل زاده و غیاثیان، ۱۳۸۶: ۴۵). این شاخه از تحلیل گفتمان، برای بررسی گفتمان‌هایی که اساس آن بر پایه «بیان قدرت، نابرابری و بازتولید و مقاومت در برابر قدرت متون» (فاضلی، ۱۳۸۳: ۸۸) بنا شده است، بسیار کاربردی است.

۳-۲- بُرش افقی

در بُرش افقی یک متن توجه به تعریف ون دایک از تحلیل گفتمان انتقادی امری ضروری است. او سه مفهوم گفتمان، شناخت و اجتماع را این چنین با یکدیگر پیوند می‌دهد. گفتمان به رویداد ارتباطی اطلاق می‌شود که شامل «تعاملات گفتاری، متن نوشتاری، حرکات بدن و تصاویر» (عباینه، ۲۰۱۳: ۱۸۳) و همچنین شامل «طرح صفحه‌بندی و جنبه‌های نشانه‌شناختی مرتبط با دلالت معنایی» است. (سلطانی، ۱۳۸۴: ۵۹-۵۸)

منظور از شناخت، «شناخت فردی و اجتماعی، باورها، اهداف و ارزش‌یابی‌ها، احساسات و سایر ساختارهای ذهنی است» (ون دایک، ۱۹۹۸: ۳۱). جامعه نیز شامل «تعاملات خرد محلی و ساختارهای کلان سیاسی، اجتماعی و جهانی» می‌باشد. (همان: ۳۲).

نقش هویت به عنوان برجسته‌ترین نقش در گفتمان ترکیب‌بند سبب می‌شود تا «موضوعات و ابژه‌هایی نظام‌مند، رویکردهای گفتمان را برجسته نماید» (فوکال^۴، ۱۹۷۲: ۴۹). لازمه تحقق این هدف آن است که «چگونگی بازتولید و استمرار سلطه اجتماعی در بافتار سیاسی و اجتماعی بررسی شود» (شیفرن^۵ و همکاران، ۲۰۰۱: ۱۲).

1- Connell
2- Galasinski
3- Kubley
4- Foucault
5- Schiffrin

۳-۳. بُرش عمودی

با بُرش عمودی یک قطعه می‌توان به سطوح مختلف گفتمان آن دست یافت. با درک هریک از این سطوح و ارتباط عمودی آن‌ها با یکدیگر، می‌توان دریافت که شاعر تا چه حد نسبت به جنبه‌های کاربردی-زبانی^۱ و اجتماعی- کاربردی^۲ آگاهی داشته‌است؟ بنابراین هرچه شاعر درک بالاتری از کاربرد صحیح ابزارهای گفتمانی برجسته‌ساز و حاشیه‌ران داشته باشد، انتقال‌های مثبتِ هویت خود و منفیِ هویتِ دیگری به مخاطب بهتر صورت می‌گیرد، در نتیجه مخاطب بهتر می‌تواند با نظام گفتمانی اثر وی همذات‌پنداری نماید. همان امری که در ترکیب‌بند محتشم به‌طور کامل رعایت شده‌است. بُرش عمودی ترکیب‌بند شامل سطوح گفتمانی «معنی، ساختار گزاره‌ای، دستور زبان، صورت‌های گفتمان و استدلال» (کسایی و رحیمیان، ۱۳۹۳: ۱۳۳) است که در ادامه به ذکر آن‌ها با مصادیقی از ترکیب‌بند محتشم اشاره می‌شود.

۳-۴. ساختار گزاره‌ای^۳

تحلیلگر گفتمان انتقادی به دنبال یافتن رابطه‌ی میان ساختارهای زبانی و ایدئولوژی پنهانِ ورای گفتمان است تا کشف کند چگونه کارکردهای اجتماعی بُرش‌های افقی گفتمان در بُرش‌های عمودی آن بازنمایی می‌شود. یکی از این راه‌ها «شناخت ساختار گزاره‌ای گفتمان و اجزای آن، یعنی موضوع و محمول است» (ون دایک، ۲۰۰۶: ۱۳۰). منظور از موضوع «هر آن چیزی است که دربارهٔ حالات و ویژگی‌های آن سخن گفته می‌شود» (الجزر، ۲۰۱۴: ۴۲۹) و منظور از محمول «بخشی از کلام است که به موضوع اسناد داده می‌شود» (همان: ۴۳۱). ون دایک معتقد است موضوع و محمول گفتمان در جهت بازتولید برتری اجتماعی است؛ بنابراین مفاهیمی همچون «قدرت، سلطه، ایدئولوژی، سلطه‌طلبی، جنسیت و ساختار اجتماعی» (ون دایک، ۱۹۸۸: ۳۵۴). می‌تواند از جمله مفاهیم اساسی باشد که ساختار گزاره‌ای به آن اشاره دارد.

1- Pragmalinguistic
2- Sociopragmatic
3- Propositional Structures

۳-۵. معناسازی^۱

هدف اصلی گفتمان، «معنابخشی به مفاهیم و ارزش‌های یک مجموعه خاص و تعریف چارچوب لازم برای موضوع مورد بحث است» (کالداس کولفارد^۲ و کولفارد^۳، ۲۰۰۳: ۷). این چارچوب از طریق معنی و معنی نیز همواره از طریق زبان بازنمایی می‌شود و نیازمند درک و تفسیر مداوم است؛ بنابراین باید «شبکه پیچیده دال و مدلول‌ها کشف شود تا ایدئولوژی نهفته در ورای ظاهر طبیعی معنی، آشکار گردد» (عرب یوسف‌آبادی و میرزاده، ۱۳۹۵: ۸۰). ایدئولوژی می‌تواند در هر نقطه از گفتمان، خود را نشان دهد؛ اما «محتوای این ایدئولوژی به صورت مستقیم در معنی پدیدار می‌گردد» (ون دایک، ۲۰۰۶: ۱۲۸)؛ زیرا «طبیعت زبان چنین است که قادر به معناسازی، دنیاسازی و فعالیت‌سازی است» (جی، ۱۹۹۹: ۸۶).

از مؤلفه‌های معناساز در گفتمان اشاره ضمنی است. گاه تولیدکننده گفتمان منظور خود را به صراحت به مخاطب انتقال نمی‌دهد؛ بلکه از اشاره‌های ضمنی زبان استفاده می‌کند تا پیش‌زمینه‌ای از پیام را به مخاطب انتقال نماید (آزبیط، ۱۹۹۶: ۲۶۴؛ بنعیش، ۲۰۰۴: ۳۲۰). در این صورت است که پیام‌رسان از پیام‌گیر انتظار دارد با مراجعه به دانش پیش‌زمینه، منظور وی را دریافت کند. علت استفاده از این ساختار زبانی این است که «فاصله اجتماعی میان پیام‌رسان و پیام‌گیر ایجاب می‌کند پیام‌رسان منظور خود را به صورت غیرمستقیم بیان کند» (کاده، ۲۰۱۴: ۱۸۰)؛ به نقل از عرب یوسف‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۷: ۸۶). کاربردشناسی زبان این امکان را فراهم می‌آورد تا منظور اشاره‌های ضمنی توسط پیام‌گیر بهتر درک شود؛ زیرا «در کاربردشناسی بیشتر به منظور افراد از پاره‌گفتارها توجه می‌شود تا به معنای معناشناختی واژه‌ها و عبارت‌ها» (گرین^۴، ۱۹۹۶: ۳۵).

۳-۶ دستور زبان^۵

منظور از دستور زبان، ساختارهایی است که «تغییر و تبدیل آن‌ها به صورتی دیگر در گفته یا متن، موجب می‌شود از آن گفته، برداشت‌های متفاوتی صورت پذیرد» (یارمحمدی، ۱۳۸۱: ۱۳۸۱).

1- Meaning

2- Caldas-Coulthard

3- Coulthard

4- Green

5- Sentence Syntax

۱۰۸). به‌عنوان مثال درباره مفهوم باریدنِ باران، می‌توان از جابجایی‌های واژگانی جهت برجسته‌سازی قطبی خاص بهره برد. نظیر عبارت‌های زیر:

«الف. امروز باران می‌بارد. ب. امروز باران می‌بارد؟؟؟ ج. امروز باران می‌بارد!!! د. باران، امروز می‌بارد». در سه عبارت نخست، واژه امروز، حکم آغاز دارد؛ با این تفاوت که دستور زبان هریک با دیگری متفاوت است. سخن از حالت خبری به پرسشی و پس از آن به حالت تعجب گرایش می‌یابد. همچنین در عبارت چهارم، واژه باران، حکم آغاز دارد و از لحاظ کارکرد گفتمانی، با عبارات پیشین متفاوت است. ذکر این مثال‌ها برای این است که بدانیم در برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی گفتمان، «تغییر دستور کلام و انتخاب یکی از دو کنشگر عامل یا پذیرنده، می‌تواند دیدگاه متفاوتی را منعکس نماید» (مزوز، ۲۰۰۹: ۱۶۷). استفاده از قیدهای مختلف دستوری نیز همچنین کارکردی به دنبال دارد و ساختاری گفتمان‌مدار به حساب می‌آید؛ زیرا تأکید بر قیدی خاص می‌تواند جهت برجسته‌سازی هویت خود یا حاشیه‌رانی هویت دیگری باشد.

۳-۷. استدلال^۱

تولیدکننده گفتمان سعی می‌کند «سخنان خود را با استناد به دلایل کافی و شواهد تاریخی، استحکام بخشد تا با این راهکار بتواند قدرت و ایدئولوژی خود را برتری دهد» (ون دایک، ۲۰۰۶: ۱۳۳). استدلال علاوه بر این که از جمله راه‌های ایجاد اعتماد در مخاطب است، «به‌منظور طرح ادعا علیه دیگری و اثبات هویت خود نیز شکل می‌گیرد» (عشیر، ۲۰۰۶: ۱۳۶).

۳-۸ ترکیب بند محتشم کاشانی

مرثیه مذهبی که عموماً در ذکر مناقب ائمه اطهار و سوگ رهبران مذهبی سروده می‌شود، «از ژرفای اعتقادات و احساسات شاعر برمی‌خیزد و نشان‌دهنده شور عاطفی و غلیان احساسات وی است» (رزمجو، ۱۳۸۵: ۱۲۱). تحلیل گفتمان این گونه شعری می‌تواند در ارزیابی موفقیت و یا ضعف شاعر در استفاده از ظرفیت‌های زبانی مؤثر باشد. ترکیب‌بند محتشم کاشانی در رثای سیدالشهداء (ع) و یاران او که به‌عنوان پرآوازه‌ترین مرثیه ادبیات فارسی شناخته می‌شود (بیک‌منشی، ۱۳۵۰: ۲۷۶؛ یوسفی، ۱۳۶۹: ۲۷۹)، به دلیل استفاده‌ی چشمگیر در استفاده از ساختارهای زبانی نظام‌مند و ابزارهای گفتمانی، موردتقلید بسیاری از

شاعران زبان فارسی قرار گرفت (انوشه، ۱۳۷۵: ۱۲۴۳؛ رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۱۷۲؛ طایفی، ۱۳۸۹: ۱۰۹). از آن‌جا که در تحلیل گفتمان متون «تمام متن‌ها به یک منبع قدرت مرتبط هستند» (بهرام‌پور، ۱۳۷۹: ۲۲)؛ لذا با در نظر گرفتن موقعیت و شرایطی که ترکیب‌بند محتشم در آن سروده شده است، می‌توان دریافت لایه‌های زیرین ترکیب‌بند، حاصل دوقطبی برجسته‌سازی هویت خود و حاشیه‌رانی هویت دیگری است.

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، به تبیین مبانی تحلیل منظم گفتمانی ون داک بر اساس تفکیک اجزا و مشخصه‌های مختلف بر مبنای ستوه برش‌های افقی و عمودی و همچنین ساختارهای خرد و کلان در سطح و عمق متن پرداخته است. بنابراین در یک گزاره‌ی کلان با ایجاد برش‌های افقی و عمودی در سطح و عمق متن، معانی کلان و فوقانی ابتدا از طریق تجرید مؤلفه‌های متنی از یکدیگر و سپس با بررسی ساختارهای خرد و کلان از لایه‌های مختلف متنی و فرا متنی در یک رابطه‌ی متقابل و همزمان تحلیل‌ها انجام پذیرفت. با برش‌های افقی و عمودی ترکیب‌بند، «چرایی تولید متن، در ارتباط با عوامل جامعه‌شناختی، تاریخی و اجتماعی توصیف می‌شود» (مکدونیل^۱، ۲۰۰۱: ۱۱) و پس از آن، تحلیل از سطح توصیف متن ترکیب‌بند به سطح تبیین ارتقا می‌یابد و «از لحاظ محدوده تحقیق نیز گستره‌ی تحلیل به سطح کلان، یعنی جامعه، تاریخ و ایدئولوژی وسعت می‌یابد» (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۸).

۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها

قطب‌بندی نظام گفتمانی ترکیب‌بند محتشم^۲

شعرایدئولوژیک و مذهبی محتشم با طرح ساختار هویت «خود» در راستای برجسته‌سازی امام حسین (ع)، اهل بیت (ع) و پیروان آن‌ها و همچنین ساختار هویت «دیگری» در راستای به‌حاشیه‌راندن کوفیان، یزیدیان و پیروان آن‌ها صورت پذیرفته است. با عنایت به این امر نظامی از برجسته‌سازی‌ها (B+) و حاشیه‌رانی‌ها (H-)^۳ به این شکل به وجود می‌آید.

1- Mecadonil

۲- جهت مطالعه کامل ترکیب‌بند مراجعه شود به: کاشانی (۱۳۷۰ ش).

۳- کدهای مقابل هر قطب، جهت تسهیل درک و تحلیل گفتمان ترکیب‌بند است.

جدول ۱- قطب گفتمانی

| ردیف | نمونه مثال | قطب گفتمانی |
|------|--|-------------|
| ۱ | گویا عزای اشرف اولاد آدم است | B+ |
| ۲ | خورشیدِ آسمان و زمین، نور مشرقین | B+ |
| ۳ | زان گل که شد شکفته به بُستان کربلا | B+ |
| ۴ | از آب هم مضایقه کردند کوفیان | H- |
| ۵ | بودند دیو و دَد همه سیراب | H- |
| ۶ | آه از دمی که لشکر اعدا نکرد شرم | H- |
| ۷ | نخلِ بلند او چو خَسان بر زمین زدند | H- |
| ۸ | کاش آن زمان که کشتی آل نبی شکست | H- |
| ۹ | زان ضربتی که بر سر شیر خدا زدند | H- |
| ۱۰ | پس آتشی ز اخگر الماس ریزه‌ها افروختند | H- |
| ۱۱ | وَز تیشه سَتیزه در آن دشت کوفیان | H- |
| ۱۲ | پس ضربتی کزان جگر مصطفی درید/ بر حلقِ تشنه خَلَف مرتضی زدند | H- |
| ۱۳ | چون اهل بیت دست در اهل ستم زدند | H- |
| ۱۴ | آن ناکسان که تیغ به صید حرم زدند | H- |
| ۱۵ | روزی که شد به نیزه سرِ آن بزرگوار | B+ |
| ۱۶ | این کشته فتاده به هامون، حسین توست | B+ |
| ۱۷ | وین صیدِ دست و پا زده در خون، حسین توست | B+ |
| ۱۸ | اولاد خویش را که شفیعان محشرند | B+ |
| ۱۹ | در ورطه عقوبت اهل جفا ببین | H- |
| ۲۰ | سرهای سروران همه بر نیزه‌ها ببین | B+ |
| ۲۱ | آن سَر که بود بر دوش نبی مدام | B+ |
| ۲۲ | ای زاده زیاد نکرده‌ست هیچ‌گه/ نمرود این عمل که تو شداد کرده‌ای | H- |
| ۲۳ | کام یزید داده‌ای از کشتن حسین | H- |

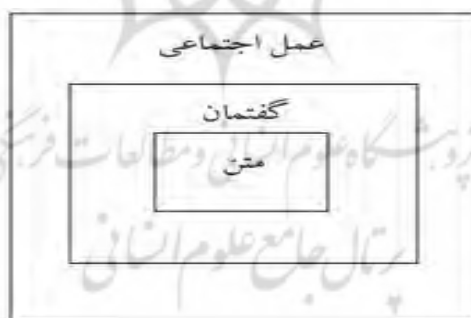
با نگاه به جدول بالا می‌توان دریافت نظام گفتمانی ترکیب‌بند محتشم بیشتر بر پایه حاشیه‌رانی هویت دیگری بنا شده‌است. شاعر با آگاهی از شیوه‌های بازتولید قدرت در گفتمان، با برجسته‌سازی هویت خود (امام حسین و اهل بیت) و حاشیه‌رانی هویت دیگری (کوفیان و یزید و ابن زیاد)، فرایند تولید و درک گفتمان را به صورت توأمان عملی می‌کند. «با فرایند تولید

گفتمان، سلطه وارد زبان می‌شود و روی ساختارهای زبانی تأثیر می‌گذارد و با فرایند درک گفتمان، سلطه اذهان مخاطب را تحت تأثیر قرار می‌دهد» (ون دایک، ۲۰۰۲: ۱۱۰). شاعر در ابتدا با برتری دادن امام حسین (اشرف اولاد آدم) و قبله آمال خواندن او (خورشید آسمان و زمین) و تالو معنویت در وجود پاک او (نور مشرقین)، زمینه را برای به‌حاشیه‌راندن هویت خصم فراهم می‌کند. او با بندهای متعدد و پشت‌سرهم، تمام نکات منفی را به هویت کوفیان و یزیدیان ارتباط می‌دهد و آن‌ها را دیو و دد، اهل ستم، اهل جفا و دشمن دین می‌خواند. در مثال‌های بالا، همنشینی واژگان متعدد و استفاده از ساختارهای زبانی مختلف برای اشاره به هویت دیگری، صرفاً در راستای درهم‌شکستن وجهه اجتماعی آن‌ها و در نهایت، برملا ساختن حقایق تاریخی است که دشمنان اهل‌بیت، مدت‌های زیادی آن را از انظار مخاطب می‌پوشاندند. با این توضیحات، می‌توان برش افقی ترکیب‌بند محتشم را در ارتباط با سه ضلع جامعه، گفتمان و متن، مورد نقد و بررسی قرار داد. (هیل، ۲۰۰۹: ۷۵)

-ساختار برش افقی در ترکیب بند محتشم

. برش افقی ترکیب‌بند محتشم شامل سه قسمت است:

۱- جامعه یا عمل اجتماعی ۲- گفتمان ۳- متن



ارزش کاربردشناختی اشاره‌های ضمنی در ترکیب‌بند محتشم در دانش پیش‌زمینه‌ای است که معانی به‌ظاهر متفاوت را به یکدیگر پیوند می‌دهد؛ لذا مخاطب با درنگ و تلاش ذهنی به معنای پوشیده و نهفته آن پی می‌برد:

گویا طلوع می‌کند از مغرب آفتاب کآشوب در تمام ذرات عالم است B+

از نظر شاعر عزاداری محرم آن‌قدر عظیم و پورشور است که حضور گسترده و عمومی مردم، یادآور قیامت و ظهور نشانه‌های آن (طلوع خورشید از مغرب) است. اشاره ضمنی‌ای که جز با دانش پیش‌زمینه‌ای مخاطب نسبت به آیات و روایات، قابل درک نیست. این مقطع از ترکیب‌بند به آیه «أَوْ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ» ترجمه: روزی که برخی از نشانه‌های پروردگارت ظاهر شود (الانعام: ۱۵۸) اشاره دارد. در تفسیر این آیه آمده است که طلوع خورشید از مغرب یکی از نشانه‌های نزدیک شدن قیامت است (ابن‌عیاش، ۱۹۹۱: ۱۲۸/۲؛ الطباطبایی، ۲۰۰۱: ۴۰۴/۷؛ الدانی، ۱۹۹۶: ۱۴۵). شاعر در مقطعی دیگر نیز با استفاده از شگرد اشاره ضمنی، مخاطب را به دانش پیشین او ارجاع می‌دهد:

کشتی شکست خورده طوفان کربلا در خاک و خون فتاده میدان کربلا B+

واژه کشتی برای اشاره ضمنی به امام حسین (ع) است که برگرفته از حدیث «إِنَّ الْحُسَيْنِ مَصْبَاحُ الْهُدَى وَ سَفِينَةُ النِّجَاةِ» ترجمه: حسین (ع) چراغ هدایت و کشتی نجات است (ابن‌نما، ۱۴۰۶: ۴؛ البحرانی، ۱۴۱۳: ۵۲/۴). مخاطب در صورتی که نسبت به این حدیث آگاهی داشته باشد، ارتباط نزدیکی با روایت دیگری از پیامبر (ص) برقرار می‌کند که می‌فرماید: این عبارت در طرف راست عرش الهی نوشته شده است (ابن‌بابویه، ۱۴۰۴: ۶۲/۲)؛ لذا با پیوند این دو مسأله و مراجعه به دانش پیش‌زمینه‌ای خود، به جایگاه والای امام حسین (ع) پی می‌برد. در بخشی دیگر از ترکیب‌بند، شاعر برای بیان مظلومیت امام حسین (ع) و بسته شدن آب بر روی ایشان، اشاره‌ای ضمنی به داستان ربوده شدن انگشتر حضرت سلیمان (ع) توسط یکی از شیاطین دارد و آن را به امام حسین (ع) و واقعه کربلا پیوند می‌دهد:

بودند دیو و دد همه سیراب و می‌مکید خاتم ز قحط آب سلیمان کربلا H-

بنابر آن‌چه در برخی از کتب تفسیری در ذیل آیات ۳۴ و ۳۵ سوره (ص) آمده است، سلیمان (ع) انگشتری داشت که گویا تمامی قدرت و حکومت او وابسته به آن بود، به طوری که وقتی یکی از شیاطین، آن را از وی ربود، سلیمان تا مدتی از قدرت و حکومت معزول شد و شیطان به جای او بر سریر سلطنت نشست (الطبرسی، ۱۴۲۱: ۴۷۵/۴؛ کاشانی، ۱۳۶۸: ۵۳/۸). محتشم با استناد به این داستان، مخاطب را برای چند لحظه به دانش پیش‌زمینه‌ای او ارجاع می‌دهد و او را در ادامه روند معناسازی گفتمان ترکیب‌بند سهیم می‌سازد. همچنین است ایات

زیر که هر یک از آن‌ها به‌نوعی اشاره‌ی ضمنی به موضوع و یا داستانی خاص دارند و در روند معناسازی گفتمان تأثیرگذار هستند:

H- از آب هم مضایقه کردن کوفیان خوش داشتند حرمتم مهمان کربلا

اشاره‌ی ضمنی به ضرب المثل مشهور «الکوفی لا یوفی» ترجمه: کوفی وفا ندارد؛ و «أغدر من الکوفی» ترجمه: فریبکارتر از کوفی (الطبری، ۱۹۳۸: ۳۷۱؛ حبیبی، ۱۳۸۹: ۳۳۶) که صرفاً جهت حاشیه‌رانی هویت‌دیگری به‌کار رفته‌است. محتشم در ادامه با اشاره‌ی ضمنی به روایت مشهور «البلاء للولاء» واقعه‌ی کربلا را اینچنین توجیه می‌نماید که مقربان الهی بیشتر در معرض آزمایش قرار می‌گیرند:

B+ بر خوان غم چون عالمیان را صلا زدند اول صلا به سلسله انبیا زدند

اشاره‌ی ضمنی به چند روایت مشهور «إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ بَلَاءً الْأَنْبِيَاءُ ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ ثُمَّ الْأُمَمَلُ فَالْأُمَمَلُ» ترجمه: سخت‌ترین مردم از لحاظ بلا و گرفتاری پیغمبرانند، سپس کسانی که در پی آنانند، سپس کسی که از دیگران بهتر است به‌ترتیب (الکلینی، ۱۹۶۷: ۲۵۲/۲)؛ «إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ قَوْمًا ابْتَلَاهُمْ» ترجمه: وقتی خداوند گروهی را دوست بدارد، آن‌ها را مبتلا می‌سازد (همان: ۲۵۳/۲). لازمه‌ی درک هر یک از واحدهای گفتمانی بالا و ارتباط آن با بُرش‌های عمودی ترکیب‌بند، آگاهی نسبی مخاطب و دانش پیش‌زمینه‌ای او از برخی از رخدادها و پدیده‌های تاریخ است.

یکی دیگر از مؤلفه‌های معناساز در نظام گفتمانی ترکیب‌بند، دگرگویی^۱ است که از آن «به‌عنوان یکی از پربسامدترین روابط معنایی در گفتمان» (راستگو و فرضی‌شوب، ۱۳۹۶: ۱۱) یاد می‌شود. این رابطه‌ی مفهومی در واقع کاربرد واژگانی است که معنی یکسانی دارند، ولی در ساختار، کاملاً با هم متفاوت هستند. این امر زمانی محقق می‌شود که «بتوان به‌جای جزء یا اجزایی از یک زنجیره‌ی زبانی، جزء یا اجزای دیگری نهاد، بی‌آنکه معنی زنجیره تغییر یابد» (لاینس^۲، ۱۹۹۵: ۶۴). از آن‌جاکه واژه‌های هم‌معنی به‌لحاظ عاطفی و شناختی با هم تفاوت دارند؛ لذا یافتن این چنین واژگانی مهارت و دقت خاصی می‌طلبد. در ترکیب‌بند محتشم دگرگویی‌های واژگانی مشهود است؛ اما هر یک از آن‌ها با کسب مشخصه‌ی معنایی اضافی و

1- Synonymy

2- Lyonz

تمایزدهنده، به جدایی از دیگری می‌گراید. کارکرد واژگانی دگرگویی به‌صورت عامدانه از جانب محتشم در ابیات مختلف ترکیب‌بند صورت پذیرفته‌است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان ویژگی بارز گفتمانی ترکیب‌بند را دگرگونی‌های پیاپی و متعدد آن دانست. در جدول زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

جدول ۲- دگرگویی

| قطب گفتمانی | دگرگویی ^۱ |
|----------------|---|
| H- | نوحه ← عزاء؛ قیامت دنیا ← رستخیز عام؛ دیو ← دد؛ نگون‌شدن ← ستون بی‌ستون شدن؛ شور ← واهمه؛ نوحه ← گریه؛ تیغ ← سنان؛ کشته فتاده به هامون ← صید دست‌وپا زده در خون؛ ماهی فتاده به دریای خون ← خشک لب‌فتاده؛ شاه کم‌سپاه ← قالب طپان؛ فتنه ← بلا؛ صبر ← طاقت؛ بیداد ← کین |

نکته قابل‌تأمل آن است که دگرگونی‌های ترکیب‌بند، به‌طور کامل نمی‌توانند در بافت زبانی ترکیب‌بند به‌جای یکدیگر به‌کار روند و تغییری در معنی آن زنجیره پدید نیاید؛ بلکه برای ذکر هر یک از آن‌ها غرضی توسط محتشم نهفته است که غالباً جهت حاشیه‌رانی هویت دیگری (H-) به‌کار رفته‌است.

از دیگر ابزارهای معناساز در گفتمان، ایجاد فاصله^۲ است. در گفتمان‌ها، مفهوم قدرت و همبستگی سبب پیدایش فاصله یا حذف آن می‌شود؛ بدین‌شکل که «هرچه میزان قدرت میان پیام‌رسان و پیام‌گیر بیشتر باشد، فاصله میان آن دو نیز بیشتر خواهد شد و هرچه از قدرت کاسته شود و همبستگی میان این دو بیشتر شود، از فاصله موجود کاسته می‌شود» (والکر^۳، ۲۰۱۱، ۳۶۲). در ترکیب‌بند محتشم، بیشتر واژگان و تعابیری که به‌نوعی برای برجسته‌سازی هویت خود و یا حاشیه‌رانی هویت دیگری به‌کار رفته‌است، جهت ایجاد فاصله میان دو هویت موردبحث قرار می‌گیرد. محتشم با کمک این ابزارهای شناختی، بر قطب‌بندی^۴ نظام گفتمانی ترکیب‌بند تأکید می‌کند. در جدول زیر به برخی از تعابیر فاصله‌ساز اشاره می‌شود:

۱- علامت ← بیانگر محور هم‌نشینی دگرگویی‌ها در نظام گفتمانی ترکیب‌بند است.

2- Distancing.
3- Walker
4- Polarization

جدول ۳- ایجاد فاصله

| ردیف | ایجاد فاصله | قطب گفتمانی |
|------|--|----------------|
| ۱ | اشرف اولاد آدم؛ پرورده کنار رسول خدا؛ مهمان کربلا؛ کشتی آل نبی؛ گلشن آل عبا؛ ارکان دین؛ نخل بلند؛ کفن خونچکان؛ گلگون کفن؛ سر آن بزرگوار؛ دختر زهرا؛ پیکر شریف امام زمان؛ بضعه الرسول؛ مونس شکسته دلان؛ شفیعان محشر؛ سرهای سروان | B+ |
| ۲ | دیو و دد؛ لشگر اعداء؛ اهل ستم؛ خوفِ خصم؛ آتش افروختن؛ ضربت زدن؛ تاریک شدن؛ خون ریختن؛ خانه خراب کردن؛ شکستن؛ خسان؛ قاتل؛ گنه خلق؛ صف به هم زدن؛ سر به نیزه کردن؛ از حرکت افتادن؛ سرنگون کردن؛ آشیان افتادن؛ تیغ و سنان افتادن؛ آتش تشنگی؛ سیل فتنه؛ موج بلا؛ جدا کردن سر؛ ستم آباد؛ خصم؛ بیداد کردن؛ کام یزید؛ کشتن؛ درخت شقاوت؛ خنجر زدن؛ سراق کردن؛ تیشه ستیزه؛ ناکسان؛ اهل جفا؛ زاده زیاد؛ دشمنان دین | H- |

ساختار گزاره‌ای در ترکیب‌بند بدین شکل است که موضوع هویت خود با اسناد به محمول‌های گفتمانی که اشاره مستقیم یا ضمنی به امام حسین (ع) و حادثه کربلا دارد، در ضدیت با موضوع هویت دیگری شکل می‌گیرد. محمول نیز برای هویت بخشیدن به موضوع/خود در برابر دیگر، در قالب محمول‌های دوقطبی متشکل از ما و دیگری ایجاد می‌شود. بنابراین به واسطه سازوکارهای واژگانی که انسجام و معنای کل متن را در اختیار می‌گیرد، ویژگی‌های مثبت هویت خود در برابر ویژگی‌های منفی هویت دیگری برجسته‌سازی می‌شود. در جدول زیر به برخی از این ساختارها با تأکید بر قطب گفتمانی آنها، اشاره می‌شود:

استفاده از قیده‌های مختلف دستوری نیز همچنین کارکردی به دنبال دارد و ساختاری گفتمان‌مدار به حساب می‌آید؛ زیرا تأکید بر قیدی خاص می‌تواند جهت برجسته‌سازی هویت خود یا حاشیه‌رانی هویت دیگری باشد.

در بخش‌هایی از ترکیب‌بند، هریک از عامل و پذیرنده به‌عنوان مشارکین عمل، در دستور زبان متفاوتی بازنمایانده می‌شود:

جدول ۴- موضوع و محمول

| ردیف | محمول | موضوع | قطب گفتمانی |
|------|---|--------------------------------------|-------------|
| ۱ | سرهای قدسیان همه بر زانوی غم است | عزای ملکوت برای امام حسین | B+ |
| ۲ | نگرفت دستِ دهر، گلابی به غیر اشک/ زان گل که شد شکفته به بستان کربلا | جایگاه والای امام حسین | B+ |
| ۳ | حلق تشنه خلف مرتضی | مظلومیت امام حسین | B+ |
| ۴ | با کفن خونچکان ز خاک علم زبند | تظلم خواهی اهل بیت | B+ |
| ۵ | آن خیمه‌ای که گیسوی حورش طناب بود | جایگاه والای اهل بیت | B+ |
| ۶ | بانگ نوحه غلغله در شش جهت فکند | عزای عمومی محرم | B+ |
| ۷ | شاه کم سپاه | بی‌وفایی کوفیان | H- |
| ۸ | در ورطه عقوبت اهل جفا | ظلم یزیدیان | H- |
| ۹ | طغیان سیل فتنه و موج بلا | کینه‌توزی یزیدیان | H- |
| ۱۰ | ز این زیاد داد/ کو خاک اهل بیت رسالت به باد داد | ظلم ابن زیاد | H- |
| ۱۱ | ای چرخ، غافلی که چه بیداد کرده‌ای؟ | ظلم زمانه | H- |
| ۱۲ | با عترت رسول بیداد کرده خصم و تو امداد کرده‌ای | همراهی زمانه با یزیدیان | H- |
| ۱۳ | نکرده است نمود این عمل، که تو شداد کرده‌ای | رفتار وحشیانه ابن زیاد | H- |
| ۱۴ | کام یزید داده‌ای از کشتن حسین | همکاری ناجوانمردانه ابن زیاد با یزید | H- |

محتشم در بندهای بالا برای تأثیرگذاری و انتقال عاطفه و احساس بیشتر به مخاطب، از ساختارهای پرسشی، تشبیه و شرط استفاده می‌کند. شاعر قصد دارد از طریق این ساختارهای دستوری، ذهن مخاطب را به برجسته‌سازی‌ها و حاشیه‌رانی‌های گفتمان ترغیب نماید. به همین جهت است که بنابر سطح تردید مخاطب نسبت به درک جایگاه پست دشمنان اهل بیت، گفتمان ترکیب‌بند را با تلفیقی از قیده‌های تأسف و آرزو درمی‌آمیزد. تنوع دستوری در ترکیب‌بند که در تمامی ابیات آن مشهود است، نشان‌دهنده مهارت بالای محتشم در استفاده از توانمندی‌های زبان برای بیان مقصود و همچنین سلامت ذوق وی و مهارت در چینش اجزای کلام است.

جدول ۵- دستور زبان

| ردیف | گفتمان | دستور زبان | کارکرد | قطب گفتمانی |
|------|--|--------------------|----------|-------------|
| ۱ | باز این چه شورش است؟ | قید پرسش | تعجب | B+ |
| ۲ | گویا طلوع می‌کند از مغرب آفتاب | قید تشبیه | مبالغه | B+ |
| ۳ | گر خوانمش قیامت دنیا، بعید نیست | قید شرط | مبالغه | B+ |
| ۴ | زان تشنگان هنوز به عیوق می‌رسد فریاد العطش | قید مختص | تداوم | B+ |
| ۵ | اول صلا به سلسله انبیا زدند | قید ترتیب | تعظیم | B+ |
| ۶ | نخل بلند او چو خسان بر زمین زدند | صفت | تعظیم | B+ |
| ۷ | فریاد از آن زمان که جوانان اهل بیت... | قید تعجب | مبالغه | B+ |
| ۸ | روزی که شد به نیزه سر آن بزرگوار | صفت | تعظیم | B+ |
| ۹ | نوعی که عقل گفت قیامت قیام کرد | نهاد | تعظیم | H- |
| ۱۰ | وز تیشه ستیزه در آن دشت کوفیان/ بس نخل‌ها ز گلشن آل عبا زدند | تقدیم متمم بر نهاد | تأکید | H- |
| ۱۱ | آه از دمی که لشگر اعدا نکرد شرم | قید تأسف | تأسف | H- |
| ۱۲ | کاش آن زمان سرادق گردون، نگون شدی | قید آرزو | امر محال | H- |

از شگرد گفتمانی استدلال به‌عنوان ابزار ادراک و شناخت زیربنایی حادثه کربلا و برجسته‌سازی هویت امام حسین(ع) و اهل بیت استفاده می‌شود:

جدول ۶- استدلال

| ردیف | گفتمان | استدلال | قطب گفتمانی |
|------|-------------------------------------|---------------------------------|-------------|
| ۱ | پرورده کنار رسول خدا، حسین | پرورش امام حسین در دامان پیامبر | B+ |
| ۲ | چون این خبر به عیسی گردون‌نشین رسید | متأثر شدن عیسی | B+ |
| ۳ | پس با زبان پُرگله آن بضعه الرسول | شدت تعلق پیامبر به فاطمه | B+ |
| ۴ | آن سر که بود بر سر دوش نبی مدام | تعلق امام حسین به پیامبر | B+ |
| ۵ | حلقی که سوده لعل لب خود نبی بر آن | عزیز بودن امام حسین برای پیامبر | B+ |

۶. نتیجه‌گیری

تحلیل گفتمان ترکیب‌بند محتشم نشان می‌دهد این اثر زمینه‌غنای کمی و کیفی مرثیه مذهبی در ادبیات فارسی را فراهم آورد و سرفصل ممتازی را در سابقه‌ی شعر عاشورایی گشود. از منظر تحلیل گفتمان انتقادی، این اثر با عناصر فرامتنی، به‌ویژه اندیشگی و تاریخی، در پیوند است و در یک فضای ارتباطی تناظری با آن‌ها، با اوج بی‌نظیر و استفاده از سطوح گفتمانی متفاوت روبروست. بسامد بالای حاشیه‌رانی هویت‌دیگری (۶۱٪) در مقابل برجسته‌سازی هویت‌خود (۳۹٪) حاکی از آن است که محتشم قصد دارد از خلال ترکیب‌بند، عمل زشت و نابخشودنی یزیدیان و کوفیان را با زبانی سوزناک به مخاطب القا نماید.

معناسازی، هسته اصلی و مرکزی ترکیب‌بند محتشم به‌شمار می‌آید؛ زیرا هدف اصلی محتشم تولید ایدئولوژی عاشورایی است. این ایدئولوژی با کمک معنی، در هر نقطه از گفتمان مشهود است. شاعر برای معناسازی گفتمان ترکیب‌بند از ابزار اشاره‌ضمنی، دگرگویی و ایجاد فاصله بهره می‌گیرد. بدین‌شکل که عموم واژگان و تعبیری که به‌نوعی برای برجسته‌سازی هویت خود و حاشیه‌رانی هویت دیگری به‌کار رفته‌است، جهت ایجاد فاصله میان دو هویت موردبحث قرار می‌گیرد. شاعر با کمک این ابزار شناختی از مخاطب انتظار دارد با مراجعه به دانش پیش‌زمینه‌ای خود، منظور وی را دریافت کند و اشارات ضمنی ترکیب‌بند را با نظام گفتمانی آن پیوند زند. شاعر از شگرد دگرگویی به‌گونه‌ای استفاده می‌کند که هر واژه و تعبیر، توان جانشینی واژه دیگر را داشته باشد؛ اما ویژگی متمایزکننده‌ای نسبت به واژه هم‌معنا داشته باشد. بنابراین هر دو واژه در محور همنشینی کنار یکدیگر قرار می‌گیرند تا ایدئولوژی اصلی گفتمان که حاشیه‌رانی هویت‌دیگری است، محقق گردد.

محتشم به این مهم واقف است که هرچه دستور زبان ترکیب‌بند و ساختار گزاره‌ای آن، دورتر از ساختارهای متعارف و عادی باشد، خواننده را بیشتر می‌تواند جذب ترکیب‌بند نماید و او را در همذات‌پنداری با اثر یاری رساند. شاعر این مهم را با استفاده متنوع و متعدد از قیده‌های مختلف مکانی، حالت، کیفیت، آرزو و پرسش، محقق می‌سازد و با تکرارهای متعدد این ساختارها، ارزش هنری ترکیب‌بند را بیشتر می‌سازد و ذهن خواننده را برای دریافت این انسجام، دچار چالش اندیشگانی می‌نماید. بنابراین، انسجام در سطح ساختارهای گزاره‌ای و

دستور زبان ترکیب‌بند و پیوند افقی و عمودی سطوح گفتمانی آن، سبب می‌شود گفتمان این اثر جان مایه‌ای مشترک بیابد و دارای بی‌طرح گفتمانی واحد و هدفمند باشد.

کتابنامه

۱. ابن بابویه، أبو جعفر (۱۴۰۴)، *عیون أخبار الرضا*، ط ۱، بیروت: الأعلمی للطباعة.
۲. ابن عیاش، محمد بن مسعود، (۱۹۹۱)، *تفسیر العیاشی*، ط ۱، بیروت: مؤسسه الإعلامی.
۳. ابن نما، محمد بن جعفر، (۱۴۰۶)، *مُثیر الأحزان و مُنیر سُبُل الأشجان*، ط ۱، نجف الأشرف: المطبعة الحیدریه.
۴. أزابیط، بنعیسی، (۱۹۹۶): «المعنی المضمّر فی الخطاب اللغوی العربی: البنیة والقیمة التنجیزیة»، مکناس: *جامعه مولای اسماعیل*، أطروحة دکتوراه.
۵. انوشه، حسن، (۱۳۷۵)، *دانشنامه ادبی فارسی*، چاپ دوم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
۶. البحرانی، سید هاشم، (۱۴۱۳)، *مدینه معاجز الأئمة الاثنی عشر ودلائل الحجج علی البیتر*، ط ۱، قم: المعارف الإسلامیة.
۷. الجزر، هنی محمد، (۲۰۱۴)، «القضية الحملیة الأرسطیة وموقف المنطق الرمزی منها: فریجة نموذجاً»، جامعه دمشق: *العلوم الإنسانیة*، السنة ۳۰، العدد ۴، صص ۴۲۱-۴۶۱.
۸. الدانی، أبو عمرو (۱۹۹۶)، *السنن الواردة فی الفتن*، ط ۱. الرياض: دار العاصمة.
۹. الراجحی، عبده، (۱۹۷۷)، *اللغة وعلوم المجتمع*، ط ۱، بیروت: دار النهضة العربیة.
۱۰. الطباطبایی، محمد حسین، (۲۰۰۱)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ط ۲، بیروت: دار الأمیره للطباعة والنشر.
۱۱. الطبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۲۱)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ط ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۲. الطبری، محمد بن جریر (۱۹۳۸)، *تاریخ الأمم والملوک*، تحقیق: محمد أبو الفضل إبراهیم، ط ۲، بیروت: روائع التراث الإسلامیة.
۱۳. الكلینی، محمد بن یعقوب، (۱۹۶۷)، *اصول کافی*، ط ۲، قم: علمیه اسلامیة.

۱۴. آقاگل زاده، فردوس، (۱۳۸۵)، *تحلیل گفتمان انتقادی*، چ ۱، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۵. آقاگل زاده، فردوس، (۱۳۸۶)، «تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات»، دانشگاه گیلان: *ادب پژوهی*، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۷-۲۷.
۱۶. آقاگل زاده، فردوس؛ غیاثیان، مریم (۱۳۸۶). رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی. *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی: زبان و زبان‌شناسی*، دوره ۳، شماره ۵، صص ۳۹-۵۴.
۱۷. برادران، شکوه، (۱۳۹۷)، «بررسی موسیقی شعر در مرثیه عاشورایی محتشم کاشانی»، *مجله‌ی رشد زبان و ادب فارسی*، دوره ۳۲، شماره ۱، صص ۵۸-۶۲.
۱۸. بنعیش، عبدالعزیز، (۲۰۰۴)، «التواصل بين القصد والاستقصاء: مقارنة تداولية لفاعلية التذليل والتأويل»، فاس: *جامعة سيدي محمد بن عبد الله*، أطروحة دكتوراه.
۱۹. بهرام‌پور، شعبان‌علی، (۱۳۷۹)، *درآمدی بر تحلیل گفتمان، گفتمان و تحلیل گفتمانی* (مجموعه مقالات)، به اهتمام: محمدرضاتاجیک، تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان، صص ۱۹-۳۸.
۲۰. بیک منشی، اسکندر، (۱۳۵۰)، *عالم آرای عباسی*، چ ۱، تهران: امیر کبیر.
۲۱. -جابر، سامیه، (۱۹۸۳)، *الاتصال الجماهيري والمجتمع الحديث*، ط ۱، الإسكندرية: دار المعرفة الجامعية.
۲۲. راستگو، کبری؛ فرضی شوب، فرشته (۱۳۹۶)، «بررسی هم‌معنایی در گفتمان قرآنی برپایه نظریه‌ی تحلیل مؤلفه‌ای»، دانشگاه علامه طباطبایی: *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، دوره ۷، شماره ۱۶، صص ۱۱-۳۴.
۲۳. رزمجو، حسین، (۱۳۸۵)، *انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی*، چ ۱، مشهد: دانشگاه فردوسی.
۲۴. رستگار فسایی، منصور، (۱۳۸۰)، *انواع شعر فارسی: بحثی در صورت‌ها و معانی شعر کهن و نو پارسی*، چ ۱، شیراز: نوید.
۲۵. سلطانی، علی اصغر، (۱۳۸۴)، «تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش»، دانشگاه باقرالعلوم: *علوم سیاسی*، دوره ۷، شماره ۲۸، صص ۱۵۳-۱۸۰.

۲۶. طایفی، شیرزاد، (۱۳۸۹)، «بررسی نمودهای مذهبی در شعر عهد قاجار»، دانشگاه تهران: *ادیان و عرفان*، دوره ۲، شماره ۴۳، صص ۹۹-۱۱۵.
۲۷. عباینه، یحیی، (۲۰۱۳)، *الأسس الفلسفیه لتحلیل الخطاب*، جامعه مؤتة: *سلسلة العلوم الانسانیة والاجتماعیة*، السنة ۳۱، العدد ۳، صص ۱۷۲-۲۰۰.
۲۸. عرب یوسف آبادی، عبدالباسط و دیگران، (۱۳۹۷). «بررسی ادب‌مندی استراتژی‌های بیان در داستان‌های کودکان شادی فقیه»، دانشگاه امام خمینی: *لسان مبین*، دوره ۹، شماره ۳۲، صص ۷۹-۱۰۱.
۲۹. عرب یوسف آبادی، عبدالباسط؛ میرزاده، طاهره (۱۳۹۵)، «تحلیل گفتمان انتقادی نامه محمد بن عبدالله و منصور عباسی بر اساس الگوی لاکلا و موف»، دانشگاه امام خمینی: *لسان مبین*، دوره ۸، شماره ۲۶، صص ۷۳-۱۰۱.
۳۰. عشیر، عبدالسلام (۲۰۰۶)، *عندما تتواصل نغیر: مقاربه تداولیة معرفیه لآلیات التواصل والحجاج*، ط ۱، المغرب: إفريقيا الشرق.
۳۱. فاضلی، محمد، (۱۳۸۳)، «گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی»، دانشگاه مازندران: *پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی*، دوره ۴، شماره ۱۴، صص ۸۱-۱۰۷.
۳۲. کاشانی، محتشم، (۱۳۷۰)، *دیوان، تصحیح: گرگانی، مهرعلی، چ ۱*، تهران: سنایی.
۳۳. کاشانی، ملاً فتح‌الله، (۱۳۶۸)، *منهج الصادقین فی إلزام المخالفین*، ج ۲، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۳۴. کاده، لیلی (۲۰۱۴)، «الاستلزام الحواری فی الدرس اللسانی الحدیث: طه عبدالرحمن أنموذجاً»، جامعه مولود معمری: *الممارسات اللغویة*، السنة ۱، العدد ۲۱، صص ۱۶۹-۱۹۴.
۳۵. کسای، علیرضا؛ رحیمیان، جلال، (۱۳۹۱)، «بررسی کتاب اندیشه اسلامی ۱ از دید تحلیل گفتمان انتقادی»، دانشگاه شیراز: *اندیشه دینی*، دوره ۱۴، شماره ۲، صص ۱۳۱-۱۵۳.
۳۶. کوبلی، پاول (۱۳۸۷ ش)، *نظریه‌های ارتباطات*، ترجمه: شاقاسمی، احسان، چ ۱، تهران: پژوهشکده‌ی علوم انسانی.

۳۷. لطف، یوسف (۱۳۸۸)، «بررسی مقایسه‌ای مرثیه‌های امام حسین (ع) در دیوان محتشم کاشانی و شریف رضی، *مجله مطالعات ادبیات تطبیقی دانشگاه آزاد واحد جیرفت*، دوره ۳، شماره ۱۱، صص: ۲۱۲-۱۸۷
۳۸. محمدرضایی، علیرضا؛ کیا، مریم (۱۳۸۹)، «جستاری بر مرثیه‌های شریف رضی و محتشم کاشانی»، *ادبیات تطبیقی* (ادب و زبان نشریه دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی کرمان)، دوره ۱، شماره ۳، صص: ۳۲۹-۳۵۴
۳۹. محمدی، علی؛ پرستگاری، انتصار (۱۳۹۰)، مقایسه‌ی کلیم کاشانی و محتشم کاشانی از منظر بلاغت شعری، *پژوهش‌های ادب عرفانی* (گوهر گویا)، دوره ۵، شماره ۱ (پیاپی ۱۷)، صص: ۷۴-۴۵
۴۰. مزوز، دلیله، (۲۰۰۹). المبنى للمجهول بین اختزال البنية و استرسال المعنى، جامعه‌ی محمد خیضر: *مجله‌ی کلیه‌ی الآداب والعلوم الإنسانیة والاجتماعیة*، السنة ۳، العدد ۵، صص ۱۶۳-۱۸۹.
۴۱. مکدونیل، دیان، (۲۰۰۱)، *مقدمه فی نظریات الخطاب*، ترجمه: عزالدین اسماعیل، ط ۱، القاهرة: المكتبة الأكاديمية.
۴۲. موحدی محب، عبدا.. (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «بازخوانی زمینه‌ها و پیشینه‌ی پیدایش ترکیب‌بند محتشم کاشانی»، *پژوهش‌نامه کاشان*، دوره ۱۰، شماره ۱، پیاپی ۱۸، صص ۳۴-۴۵
۴۳. یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۱)، «تحلیل گفتمان با استفاده از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی گفتمان‌مدار با عنایت به تصویرسازی کارگزاران اجتماعی»، دانشگاه شهید باهنر: *نشریه‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی*، دوره ۸، شماره ۱۰، صص ۱۰۵-۱۱۹.
۴۴. یارمحمدی، لطف‌الله، (۱۳۸۳)، *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*، چ ۱، تهران: هرمس.
۴۵. یوسفی، غلامحسین، (۱۳۹۶)، *چشمه‌ی روشن*، چ ۲، تهران: علمی و فرهنگی.

46. Caldas-Coulthard, C. R. & M. Coulthard. (2003). *Text and Practices: Readings in Critical Discourse Analysis*. London: Routledge.

47. Connell, Ian & Galasinski, Dariusz (1996). «Cleaning up its act: The CIA on the internet», *Discourse and Society*, Vol. 7(2). Pp 165-186.
48. Foucault, Michel. (1970). *The Order of Discourse: An Archaeology of the Human Sciences*. London: Tavistock.
49. Gee, J. P. (1999). *An Introduction to Discourse Analysis: Theory & Method*. London & New York: Routledge.
50. Green, G. (1996). *Pragmatics and Natural Language Understanding*. Lawrence Erlbaum Association.
51. Hill, H. (2009). *Outsourcing the public library: A Critical Discourse Analysis(Dissertation)*, the Faculty of the Graduate School at the University.
52. Jaworski, Adam & Coupland, Nikolas (1999). *The Discourse Reader*. Routledge.
53. Lyons, J. (1995). *Introduction to Theoretical Linguistics*. Vol I. London: Cambridge University Press.
54. Schiffrin, Deborah, & others. (2001). *The handbook of discourse analysis*, Blackwell Publisher.
55. Van Dijk, T. A (2000). *Ideology and Discourse: a Multidisciplinary Introduction*. PamperFabra University press, Barcelona.
56. Van Dijk, T. A. (2006) «Ideology and Discourse Analysis». *Journal of Political Ideologies*. 11(2), 115-140.
57. Van Dijk, T.A. (1988). *News as discourse*. Hillside, NJ: Erlbaum.
58. Van Dijk, T.A. (1993). *discourse, power and Access*. In: *CR. Caldas (ed) studies in critical discourse analysis*. London: Routledg.
59. Van Dijk, T.A. (1998). «Opinions and Ideologies in the Press». in **APPROACHES TO MEDIA DISCOURSE**. (ed.) by Bell, A. and Peter Garrett, Oxford: Blackwell, 21-63.
60. Van Dijk, T.A. (2002). *Principles of Critical Discourse Analysis: in Critical Discourse Analysis*, (ed.) M. Toolan, London: Routledge.
61. Walker, V. (2011). «Codeswitching as a power and solidarity strategy in the foreign language classroom: an analysis of language alternation strategies utilized in a Portuguese-English higher education class». *Innervate*. Vol 3. PP. 362.363.

Investigating the polarization of the discourse system in the composition of Mohtasham Kashani based on Van Dyke's theory

Freshteh Naseri¹

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Imam Khomeini Memorial Branch, Shahreri, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract

Poetry discourse analysis allows the reader to become aware of the poet's worldview, ideas, beliefs and mental imagery. This issue is doubly evident in relation to Shiite and Ashura poetry, which is often based on the emphasis on the positive pole of the "self" and the marginalization of the negative pole of the "other." The composition of Mohtasham Kashani is one of the masterpieces of Persian literature in which the bipolar system of emphasis and marginalization plays an essential role in shaping its discourse. Since this work was formed in response to the oppression that was inflicted on Imam Hussein (AS) and those around him in the event of Ashura; Thus, its text becomes a linguistic network in which the identity of the "self" is highlighted and the identity of the "other" is marginalized due to the interpretive dimension of the signs and the esteemed awareness of the power of language and levels of discourse. In the present study, an attempt is made to investigate the discourse system of Mohtasham's composition by relying on descriptive-analytical method and by referring to Vandic's theory of critical discourse analysis. The horizontal section of compositional discourse shows that the marginalization of another identity is the prominent pole of compositionalization (61%), which is reinforced by vertical sections that include levels of meaning, propositional structure, grammar, and reasoning.

Key words: Critical Discourse Analysis, Wendek, Emphasis, Marginalization, Mohtasham Kashani

1- naseri91@yahoo.com